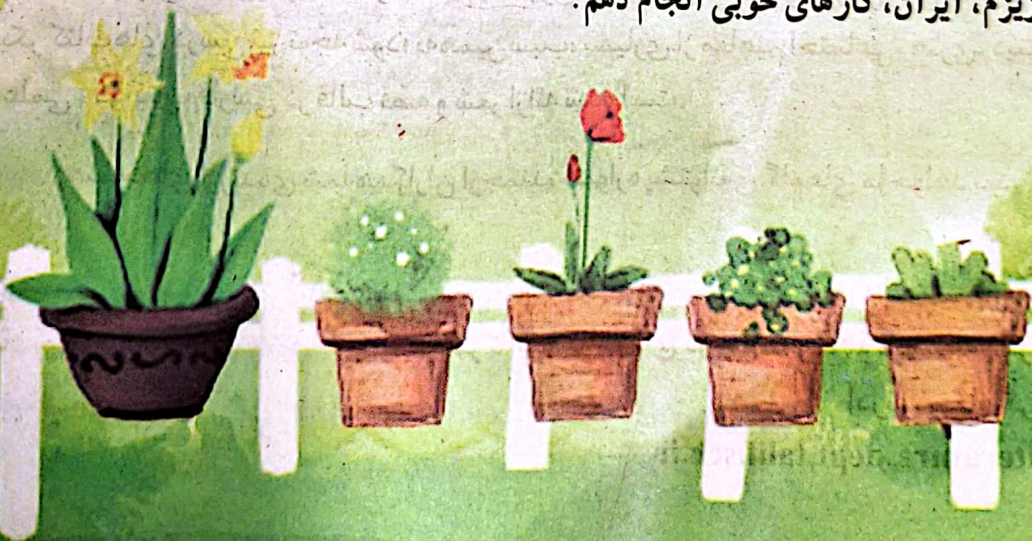




بهترین سرآغاز

ای نامِ تو بهترین سرآغاز بی نامِ تو، نامه کی کنم باز
 ای یادِ تو مونسِ روانم جز نامِ تو، نیست بر زبانم
 نظامی

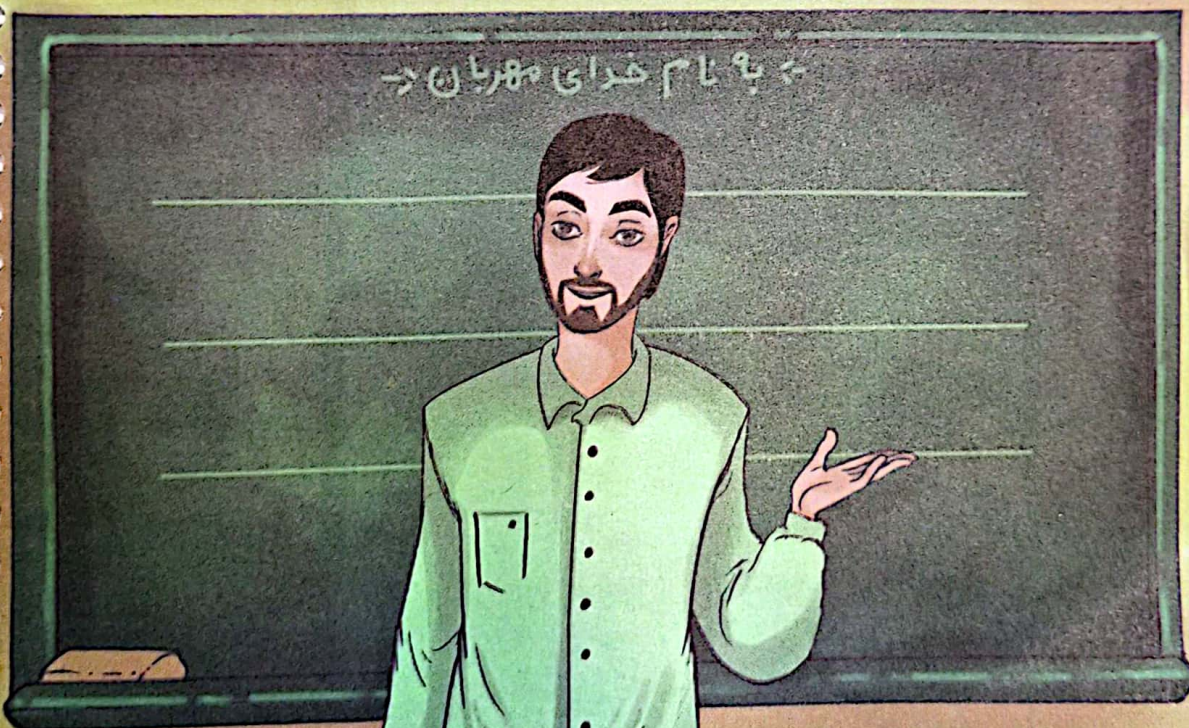
ای خدای مهربان، نام تو بهترین سرآغاز برای هر کار است.
 من کارهایم را با نام تو شروع می‌کنم. نام تو به من شادی و نشاط می‌دهد.
 ای خدای بزرگ، اکنون که به کلاس دوم آمده‌ام، از تو سپاس گزارم.
 ای پروردگار عزیز، از تویاری می‌خواهم تا همیشه در درس‌هایم موفق شوم.
 پروردگارا، به من کمک کن تا فرزندی خوب برای خانواده‌ام باشم و برای کشور
 عزیزم، ایران، کارهای خوبی انجام دهم.





کتابخانه‌ی کلاس ما

در یکی از روزهای ماه مهر، دانش‌آموزان، آرام و با نظم وارد کلاس شدند. آموزگار پس از سلام و احوال‌پرسی، از بچه‌ها خواست در گروه‌های خود قرار بگیرند. سپس به



آن ها گفت: «دانش آموزان عزیز، از شما می خواهم فکر کنید و بگویید چگونه می توانیم پاسخ پرسش های خود را پیدا کنیم؟»

بچه ها در گروه خود گفت و گو کردند و پیشنهاد خود را روی برگه ای نوشتند. نماینده ی هر گروه آن را با صدای بلند خواند. گروه ها به رایانه، کتاب ها، مجله ها و افراد دانا اشاره کرده بودند.

آموزگار از دانش آموزان تشکر کرد و گفت: «آیا همه ی نوشته ها در رایانه، کتاب ها، و مجله ها برای شما مفید است؟»

نماینده ی گروه اول گفت: «خیر، بهتر است کتاب ها و مجله های ویژه ی خودمان را بخوانیم.»

نماینده ی گروه دیگر گفت: «در آخر کتاب فارسی، نام کتاب های مناسبی آورده شده است که ما می توانیم آن ها را بخوانیم.»

آموزگار گفت: «کتاب خوب، مانند دوست خوب است که می تواند به ما خیلی کمک کند.»

نماینده ی یکی از گروه ها گفت: «کتاب خوب را هم مانند دوست، پس از هم فکری و مشورت با بزرگ ترها انتخاب می کنیم.»

آموزگار گفت: «آفرین بر شما که خوب فکر می کنید و به درستی پاسخ می دهید. حالا فکر کنید چگونه می توانیم یک کتاب خانگی کوچک در کلاس داشته باشیم؟»